

طراحی در مدیریت نوین (قسمت دوم)

چگونه می خواهید یک تغییر ذهنی مناسب در خود ایجاد کنید ؟

ممکن است در جامعه ای زندگی کنید که عوامل انعکاسی آن ، تاثیرات مثبت و یا منفی بسیار زیادی در افکار ، ایده ها و زندگی مادی تان داشته است . به همین دلیل نیز ممکن است نسبت به برخی از مسائل دید مثبت و نسبت به برخی دیگر دید منفی داشته باشید.

با همه این تاثیرات، نگران آنچه که قبلا در درون شما اتفاق افتاده است نباشید. برای اینکه خیالتان را راحت کنم فرض میکنم که اساسا نسبت به بسیاری از مسائل دید منفی پیدا کرده اید.

وقتی شما در چنین نقطه ای قرار گرفته باشید درست این است که برای دگرگون شدن و شروع دگرگونی در خود، از خودتان بیرون بیایید و با دریچه ای واقعی به دنیای بیرون از خودتان نگاه کنید . واقعیت ها را به آن شکل ببینید که خود، آن را در ذهن خود طراحی میکنید . یعنی بگذارید واقعیت های زندگی به همان اندازه بکر و دست نخوردنی باشند که در خارج از دیدگان شما وجود دارند. یعنی شما واقعیت ها را به همان گونه که هستند برای خویش بیان کنید. بدین صورت فرا میگیرید که از واقعیت های موجود نهراسیده و با پذیرش نسبی آنها در ذهن خود قدم اول جایگزینی ذهنی از دیدگاه منفی به دیدگاه مثبت را انجام میدهید.

حتما با افراد بسیار زیادی در جامعه خود مواجه بوده و آنها را می شناسید . شاهد بسیاری از موفقیت ها و یا عدم موفقیت های آنها بوده اید و حداقل اینکه راجع به این مسائل بسیار شنیده و یا اطلاع کسب کرده اید .

با دیدگاه مثبت خود ، حال تصور کنید که افراد یک جامعه چگونه خود را برای دیگران تعریف کرده و به اصطلاح خود را در انظار معرفی می نمایند.؟ این افراد را چگونه میتوانید تقسیم بندی ذهنی نمایید؟ آیا غیر از این است که بخشی از افراد نسبت به مسائل خود و جامعه دیدگاهی منفی و بخشی دیگر دارای دیدگاه مثبت میباشند؟

اگر بخواهید یک جمع بندی مختصر از نگاهی که به این مسئله در افراد جامعه انداخته اید به ما ارائه دهید، افراد

منفی گرا را چگونه ارزیابی میکنید ؟

طبیعی است که پاسخ بدهید ؛ این افراد هیچ وقت و در هیچ یک از مسائل، تصویر خوب و واضحی از خود ارائه نمیدهند . در تمامی مسائل زندگی همیشه فکر میکنند که بدتر از دیگران هستند . فکر میکنند که کمبودهایشان مانع از پیشرفت هایی شده که در ذهن داشته اند . و در این رابطه همیشه خود را با دیگران مقایسه کرده اند . و در این مقایسه همیشه توی سر خودشان زده اند . تلاش کرده اند که با حسادت و بدگویی های فراوان موقعیت های خانوادگی ، شغلی ، اجتماعی و ... مناسبی برای خود فراهم کرده باشند . در واقع خواسته اند که از دیگران پله ای ساخته و از این نردبان بالا بروند . قافل از اینکه نردبان های اینچینی نه تنها فرد را به مقصد نرسانده بلکه پرتگاهی شده است که منجر به سقوط همان افراد گردیده است . این افراد در تمام دوران زندگی خود ، نه تنها

منطقی نبوده بلکه با او هام دیگران زندگی کرده اند . پس هیچ وقت خودشان ، خودشان نبوده اند . و این بزرگترین خطای تصویر ذهنی آنها از زندگی کردن خود و در خارج از قالب خود بوده است .

حال که شما با واقع بینی به حاد ترین مسائل افراد در جامعه پاسخ دادید من نیز در همین رابطه مختصراً تأکید میکنم که زندگی انسان ها تخیل نیست ! ذهنی نیست ! زندگی بستری است که سرسخت ترین واقعیت های چگونه بودن؟ چگونه زیستن؟ و چگونه ماندن انسان ها را مورد محک و آزمایش بسیار جدی و مورد پاسخ گویی جدی قرار میدهد. زندگی سرسخت ترین واقعیتی است که دیدگان انسان ها از بدو تولد با آن آشنا میگردند.

بنابر این تصاویر مجازی رویاهای بشری ، تخیل و او هام، اگر در اذهان انسان ها برای کشف واقعیت های تلخ و شیرین زندگی واقعی ایده دهنده موثر نباشند، بسیار خطر ناک نیز هستند. انسان های متوهم با چرخه این پارامترها در اذهان خود لحظه به لحظه از واقعیت ها قطعی فاصله گرفته و در یک کلام از خود بیگانه میشوند. و خلاصه اینکه انسان هایی که دارای دیدگاه منفی هستند با خود دوگانه بوده و هرگز به منزلگه موفقیت و پیروزی راه پیدا نخواهند کرد.

حال به این سوال نیز پاسخ بدهید : افراد با ذهنیت مثبت را چگونه ارزیابی میکنید ؟

گر چه که در واقعیت های یک زندگی هیچ چیزی و هیچ کسی خالی از اشکال نبوده و همه چیز نسبی است ، اینگونه افراد (افراد با دیدگاه مثبت) نیز در جامعه ما بسیارند و شما نیز انبوهی از آنها را دیده و یا با آنها آشنایی دارید !

اما هیچ وقت شده است که بپرسید چرا انسان های موفق و مؤثر محدود به این قشر (افراد با دیدگاه مثبت) می باشند ؟

اگر از شانس ، حادثه و اتفاق بگذریم و بخواهیم که بصورت عملی با این رویداد برخورد کنیم باید موفقیت آنها را در زمینه های ذهنی شان ریشه یابی کنیم .

یعنی اینکه در مواجه شدن با مسائل روزمره زندگی خود و دیگران چگونه با آن برخورد کرده و میکنند ؟ دوباره این جمله را تکرار میکنم ؛ این افراد علاوه بر اینکه عاشق تغییر می باشند ، ابتدا تغییر ذهنی را از خود شروع کرده و سپس دیگران را تغییر داده اند . با اینکه ایمان داشته اند هر انسانی جایز الخطا است ، به خود این حق را داده اند که ؛ حق اشتباه و خطا را دارند . بسیار منطقی بوده و از برخورد های متقابل با مسائل دوری کرده اند . نه تنها مسئولیت زندگی خود را بعهده داشته اند بلکه در خیلی از موارد مسئول تر بوده ، مسئولیت بیشتری را در جامعه تقبل کرده و نسبت به زندگی سایرین نیز مسئول و پاسخگو بوده اند . در مواجه شدن با ناملایمات زندگی ، نا امید و مایوس نبوده و اتفاقاً بسیار مشتاق و امید وار بوده اند که می توانند هر مشکلی را با تمام توان و اتفاقاً با شور و نشاط حل نمایند .

چه زیبا و چقدر ارزشمند اند انسان هایی که پنجه در پنجه ناملایمات ، سختی ها و مشکلات زندگی انداخته ، در اوج منطق گرایی با آنها جنگیده و با انرژی و توان فراوان در صدد حل و فصل آن برآمده اند تا محصول جدیدی از خود ارائه دهند!

با چنین دیدگاهی هر نتیجه ای مهم است . ولی نتیجه هر چه که باشد تلاش ، رویش و تغییر از شرایط کهنه و قدیمی به شرایط و دوران جدید و دیدگاهی جدید است .

دیگر شما هم در نقطه قبلی قرار ندارید و در نقطه ای هستید که سطح اتکاء جدیدی پیدا کرده اید . این نقطه ، نقطه مختصات انسان هایی است که با دیدگاهی مثبت و مدبرانه به چاره جویی مسائل جامعه و زندگی بر خاسته اند و با عشق و امید در راه تغییر دادن شرایط تحمیلی و کهنه قد علم کرده و دروازه های نوینی از کار و زندگی و جامعه درخشان آینده را به روی ما باز کرده اند .

پس نتیجه میگیریم که تغییر ذهنی در انسان ها عشق و امید را در آنها احیاء کرده و موجب تغییرات در منش ، رفتارها ، عملکردها و راه کارها و ... خواهد داشت .

حال اگر تا اینجا بحث چیزی در شما تغییر کرده است بگویید ؟ و ابتدا بگویید که آیا دیدگاه مثبت نسبت به مسائل موجود در کار و زندگی و جامعه پیدا کرده اید ؟ حتما! و حال خوب می دانید ، آنچه که تاکنون مانع از ایجاد دیدگاه مثبت در شما شده همان یاس و ناامیدی در کنده شدن تان از دیدگاه منفی ذهن خودتان بوده است . ولی حالا شما توانستید با تصمیم گیری جدی که از ذهن خود نشان دادید ، نقطه مختصات وجود و زندگی خود را عوض کنید . حال که دنیای آینده را با دیدگاهی جدید ، و در تغییر مستمر و جدی نگاه میکنید دیگر به شرایط قدیمی و کهنه ای که به آن خو گرفته بودید بر نمیگردید . مطمئن باشید با رشد جوانه های سبز دیدگاه مثبت در ذهن خود هرگز به دنیای پوچ و پر از اوهام ذهنیت منفی سابق بر نخواهید گشت . این یعنی شروع زندگی جدید ! یعنی حیات مجدد ؛ زندگی ای که الگوها و ارزش های والای خودش را دارد و اساسا قابل قیاس با دنیای کهنه ذهنیت منفی نمی باشد .

پس از همینجا حرکت را برای تغییر کردن و تغییر دادن تمامی کهنگی های ذهنی و غیر واقعی قبلی خویش و دیگران را شروع کنید . شما يك مرحله کیفی را در ذهن خود تغییر داده و به واقعیت جدیدی دسترسی پیدا کرده اید . حال دیدگان شما دنیا را چگونه ای میبیند که شما در آن نقش جدی دارید! حال این شما هستید که در تمامی چرخه های زندگی اجتماعی میتوانید موثر بوده و تاثیر گذار باشید! این یعنی همان تکوین یک دیدگاه جدید و مثبت در ذهن شما !

... ادامه دارد.